

یادداشت

صادق الحسینی | تحلیلگر مسائل غرب آسیا - بیروت

مقاومت اسلامی در کمین اشغالگران صهیونیست

اسرائیل درواقع درپی آن است که تشکیلاتی را میان سرزمین‌های اشغالی و جنوب رودلبنانی به‌عنوان یک منطقه حائل ایجاد کند. مانند همان تشکیلاتی که با فرماندهی سعد حداد و آنتوان لحد ایجاد کرده بود. لذا این رژیم به منظور رفع خطر مقاومت اسلامی، پنج نقطه استراتژیک از خاک لبنان را به اشغال خود درآورده است. اما از آنجایی که اسرائیل به‌دور در مقابل حزب‌الله در میدان شکست خورد و تانیا در دفع خطر مقاومت هم ناکام ماند و نتوانست امنیت شهرک‌نشینان شمال فلسطین اشغالی را برقرار کند. به همین منظور پنج نقطه مهم مشرف بر جنوب لبنان را به اشغال خود درآورده است که دارای اهمیت عملیاتی و میدانی است، مثلاً تپه البیونه برتعداد زیادی از شهرک‌های اشغالی اشرف دارد و تپه‌العزیه نیز که بین دو روستای یارین و مروحین واقع است که در آن زدوخوردهای سهمگین بین مقاومت و نظامیان صهیونیست اتفاق افتاد، این موقعیت مهم را دارا است. تپه بلوط و تله العویضه از مهم‌ترین نقاطی است که برای ارتش صهیونیستی ارزش استراتژیک دارند. در این نقاط، دیوارهای سیمانی و برج‌های مراقبت و دوربین‌های حسگر و فیلم‌برداری نصب کرده است. تپه الحماص دارای ارتفاع ۹۰۰ متری است و ۵۰ متر با نوار مرزی فاصله دارد و بر همه شهرک‌های واقع در شمال فلسطین اشغالی، اشرف دارد. واز اینجا عملیات رخنه به سرزمین‌های اشغالی صورت می‌گیرد. در هرسورت این امر تجاوز سال ۱۹۷۸ میلادی را یادآور می‌شود که رژیم صهیونیستی به بهانه تعقیب مقاومت فلسطینی وارد اراضی لبنان شد و در جنوب لبنان یک منطقه حائل به سرکردگی آنتوان لحد به مدت ۳۲ سال ایجاد کرد و علی‌رغم صدور قطعنامه شماره ۴۲۵ از سوی شورای امنیت سازمان ملل، همچنان در این منطقه ماند. این نیروها در سال ۱۹۸۲ میلادی بعد از شروع عملیات مقاومت اسلامی که تحت تأثیر پیام‌های انقلاب اسلامی شکل گرفت، مجبور به ترک سرزمین‌های لبنان شدند و بالاخره عملیات آزادسازی نهایی در سال ۲۰۰۰ با فرماندهی شهید عماد مغنیه، فرزند برومند امام (ره) صورت گرفت. اکنون حزب‌الله لبنان در حال خریداری وقت به نفع خود است و دولت لبنان و کشورهای ذریبط را مسئول ادامه اشغالگری لبنان می‌ناند و چنانچه نتوانند آنها را از کشور طرد نمایند، آن‌گاه حزب‌الله وقت مناسب برای آغاز یک مقاومت مردمی و نظامی برای پاکسازی جنوب لبنان را انتخاب خواهد کرد. یعنی دقیقاً کاری که در سال ۲۰۰۰ انجام داد.

یادداشت

حسن بهشتی پور | کارشناس مسائل بین الملل

اسنپ‌ک؛ بازی باخت-باخت برای غرب

در حال حاضر، مجموعه‌ای از تحرکات دیپلماتیک در جریان است که جمهوری اسلامی ایران در چندین سطح به آن واکنش نشان داده است. این تحرکات شامل اقدامات همزمان ایالات متحده، مذاکرات ایران با اتحادیه اروپا و هماهنگی‌های دیپلماتیک با چین و روسیه است. آمریکا در حالی که سیاست تحریم‌ها را علیه ایران دنبال می‌کند، همزمان پیام‌هایی را برای مذاکره ارسال کرده است. این رفتار در چارچوب سیاست شناخته‌شده‌ای قرار می‌گیرد که تحت عنوان «چماق و هویج» تعریف می‌شود؛ به این معنا که آمریکا برای تقویت موضع خود در مذاکرات، از یک سو فشارهای اقتصادی را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، از ابزارهای دیپلماتیک برای ایجاد فضای مذاکره بهره می‌برد. ارسال نامه به ایران در همین راستا قابل تحلیل است و نشان می‌دهد که واکنشگن به دنبال تحمیل شرایطی بر ایران است که عملاً به معنای پذیرش یک توافق تحمیلی خواهد بود. مذاکرات ایران با اتحادیه اروپا که تاکنون سه دور آن انجام شده و دور چهارم آن برای اسفندماه برنامه‌ریزی شده، عمدتاً پیرامون موضوع «مکانیسم ماشه» است. مکانیسم ماشه به ازارگشت خودکار قطعنامه‌های تحریمی تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل اشاره دارد و در صورت فعال شدن آن، قطعنامه‌هایی که پیش از توافق برجام لغو شده بودند، مجدداً اجرایی خواهند شد. این مکانیسم تا مهرماه آینده فرصت دارد و در صورت عدم فعال‌سازی، پرونده آن برای همیشه بسته خواهد شد. آمریکا که از برجام خارج شده، قادر به فعال‌سازی این مکانیسم نیست اما کشورهای اروپایی می‌توانند چنین اقدامی را انجام دهند. ایران در حال مذاکره با اروپا است تا آنها را امتقاع سازد که فعال‌سازی این مکانیسم منجر به وضعیت «باخت-باخت» خواهد شد؛ زیرا در چنین شرایطی، ایران به احتمال زیاد از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) خارج خواهد شد که این مسأله تبعات سنگینی برای اروپا در پی خواهد داشت. فعال‌سازی مکانیسم ماشه، علاوه بر بازگشت قطعنامه‌های تحریمی، به آمریکا مشروعیت بین‌المللی می‌دهد تا اقدامات خود علیه ایران را با پشتوانه حقوقی سازمان ملل توجیه کند. این در حالی است که در شرایط فعلی، بسیاری از تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران، مشروعیت بین‌المللی ندارند و تنها براساس تصمیمات یکجانبه آمریکا اجرامی شوند. متن کامل یادداشت رادر جام‌چم آن‌لاین بخوانید



متن کامل

خبر

جنبش حماس اعلام کرد که پیشنهادی ازسوی میانجیگران برای ادامه مذاکرات دریافت کرده و با مسئولیت‌پذیری و رویکردی مثبت با آن برخورد کرده است. به گزارش ایرنا و به نقل از خبرگزاری سما، جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) در بیانیه‌ای اعلام کرد که روز پنجشنبه، پیشنهادی از سوی میانجیگران برای ازسرگیری مذاکرات دریافت کرده و با رویکردی

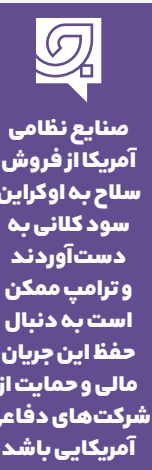
موافقت حماس با آزادی سرباز آمریکایی

مسئولانه و مثبت به آن پاسخ داده است. در بیانیه‌ای که این جنبش منتشر کرده، آمده است: حماس با آزادی سرباز اسیر، عیدان الکساندر که تابعیت آمریکایی دارد و همچنین تحویل پیکر چهار نفر از افراد دارای تابعیت دوگانه موافقت کرده است. حماس همچنین تأکید کرد که آماده آغاز مذاکرات و دستیابی به توافقی جامع درباره مسائل مربوط به



بسیاری بر این باورند که شرط پوتین تلاشی است که برای کاهش تنش‌ها و ایجاد فضای برای مذاکرات جدی‌تر مطرح شده است. ضمن این‌که اخیراً ترامپ اعلام کرده آمریکا در حال گفت‌وگو درباره موضوع اراضی با اوکراین است، از جمله زمین‌هایی که کی‌یف در نتیجه درگیری از دست خواهد داد. ترامپ تا حدودی نیز تلاش می‌کند که نظر مسکو را جلب کند، به نحوی که نماینده ویژه خود در امور روسیه و اوکراین را از مذاکرات عالی‌رتبه صلح و به درخواست پوتین کنار گذاشت. کرملین کیث کلوگ، فرستاده ویژه آمریکا در امور روسیه و اوکراین را فردی به‌شدت حامی کی‌یف می‌دانست. در همین حال دیروز وینکاف راهی مسکو شد و دمیتری پسکوف درباره سفرش به خبرنگاران گفت که وی در این دیدار، اطلاعات تکمیلی را در اختیار طرف روسی قرار داده و پوتین نیز پیام‌های مورد نظر خود را مطرح کرده تا به ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا منتقل شود. رئیس‌جمهور روسیه نیز ساعتی قبل از این دیدار، حمایت مشروط خود

را از این پیشنهاد در صورت حل مسائل و نکات ظریف مورد نظر وی از جمله حل شدن مسأله ناظر بر آتش بس و وضعیت نبرد در مناطق در حال درگیری همچون کورسک اعلام کرد. رئیس‌جمهور آمریکانیز پیشتر در دیدار با دیرکل پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) اظهارات ولادیمیر پوتین مبنی بر موافقت مشروط با آتش بس را «بسیار امیدوارکننده» دانست اما به نظر می‌رسد که یکی از مواردی که باید دو طرف در مورد آن به نتیجه برسند، موضوع کنترل نیروگاه اتمی زاپوریژیا است. ترامپ در این باره گفت: «یک نیروگاه خیلی بزرگ در این میان است، چه‌کسی نیروگاه را خواهد گرفت؟ بنابراین این یک فرآیند و روند آسانی نیست اما مرحله اول آتش بس است.»



منابع نظامی آمریکا از فروش سلاح به اوکراین به سود کلانی به دست آوردند و ترامپ ممکن است به دنبال حفظ این جریان مالی و حمایت از شرکت‌های دفاعی آمریکایی باشد

می‌تواند به روسیه فرصت دهد تا استراتژی نظامی و سیاسی خود را بازبینی کند. در طرف دیگر قضیه نباید فراموش کنیم که صنایع نظامی آمریکا از فروش سلاح به اوکراین سود کلانی به دست‌آوردند و ترامپ ممکن است به دنبال حفظ این

مرحله دوم توافق است. این جنبش از میانجیگران خواست که رژیم اشغالگر را به اجرای کامل تعهدات خود ملزم کنند.

این بیانیه پس از آن صادر شد که طی روزهای اخیر، مذاکرات مستقیمی میان حماس و نمایندگان دولت آمریکا در دوحه برگزار شد. هدف از این مذاکرات، پیشبرد توافقی آتش بس در نوار غزه اعلام شده است.



جریان مالی و حمایت از شرکت‌های دفاعی آمریکایی باشد. علاوه بر این، فروش سلاح به اوکراین می‌تواند به عنوان ابزاری برای افزایش نفوذ آمریکا در این منطقه به‌کار گرفته شود و ترامپ به‌همین دلیل تلاش کند تا حمایت گروه‌هایی را که مخالف روسیه هستند، در داخل آمریکا به سمت خود جلب کند. با این حال مقامات اوکراینی همچنان نگرانند که ترمیم ممکن است امتیازات زیادی را به روسیه واگذار کند. از سوی دیگر برخی تحلیلگران معتقدند که رفتار متناقض ترامپ ممکن است ناشی از عدم وجود یک استراتژی مشخص در سیاست خارجی ترامپ باشد. او ممکن است به دنبال ایجاد توازن بین منافع مختلف باشد، بدون این‌که یک خط‌مشی ثابت و روشن داشته باشد. در حقیقت رفتار فعلی اش ترکیبی از منافع اقتصادی، اهداف سیاسی داخلی و تلاش برای نقش‌آفرینی در صحنه جهانی ارزیابی می‌شود. این رویکرد دوگانه نشان‌دهنده پیچیدگی موضع‌گیری‌های او در قبال بحران اوکراین است و ممکن است بازتابی از اولویت‌های متغیر او در سیاست خارجی باشد. البته روس‌ها نیز این موضوع را مدنظر دارند، به نحوی‌که دیمیتری پسکوف روز سه‌شنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۳ در کنفرانسی در مدرسه عالی اقتصاد در مسکو در مورد فروش سلاح آمریکایی به اوکراین گفت: «بسیاری افراد عجله دارند که عینک‌های ژژ‌رنگ بزنند که بگویند آمریکایی‌ها الان تحویل سلاح (به اوکراین) را متوقف می‌کنند یا قبلاً متوقف شده است، اکنون (ایلان) ماسک سیستم‌های ارتباطی (ماهواره‌ای) خود را خاموش می‌کند و همه چیز برای ما درست می‌شود.» وی افزود: «در حال حاضر نیازی به عجله برای زدن این نوع عینک‌ها نیست، شما باید همیشه به بهترین‌ها امیدوار باشید اما همچنان برای بدترین‌ها آماده باشید و ما باید همیشه آماده دفاع از منافع خود باشیم. پسکوف خاطرنشان کرد: غرب به حدی تسلیحات به کی‌یف داده است که حتی پس از توقف عرضه سلاح از سوی آنها، اوکراینی‌ها مدت‌زمان زیادی سلاح برای جنگ خواهند داشت. یادمان باشد که مسکو به دنبال ایجاد اوکراینی‌بی‌طرف، غیرنظامی‌شده و خارج از حوزه ناواست تا بتواند امکان حفظ کنترل روسیه بر مناطق ضمیمه‌شده در طول جنگ را فراهم کند. سرگئی مارکوف، تحلیلگر نزدیک به کرملین در تلویزیون دولتی روسیه در این باره گفت: «در فصل بهار، شرایط برای پایان جنگ مساعد نخواهد بود اما تا پاییز، همزمان با کاهش بودجه ل‌احمیت از اوکراین، از سوی ترامپ و پیشروی بیشتر ارتش روسیه، شاید شرایط سیاسی بهتری فراهم شود.» حال باید دید سیاست یک بام و دو هوای ترامپ در روسیه به کجا می‌انجامد و پوتین تا کجا با واشنگتن در این مسأله همراهی می‌کند؟

یادداشت

اشکان ممینی | کارشناس مسائل بین الملل

ظهور قدرت ایران ودست بالادر مذاکرات

در چند دهه اخیر، ایران به‌عنوان یک قدرت قابل توجه در منطقه خاورمیانه شناخته شده است. با وجود تحریم‌های اقتصادی، چالش‌های ژئوپلیتیکی و فشارهای خارجی، ایران موفق به افزایش قدرت خود در حوزه‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی شده است. این رشد به شکل‌گیری رویکرد استراتژیک ایران در مذاکرات کمک کرده است، به‌گونه‌ای که همواره از مذاکره تحت تهدید یا فشار خودداری می‌کند. ایران زیرساخت‌های دفاعی قوی‌ای را ایجاد کرده که بر پایه فناوری موشکی بومی و قابلیت‌های پهلادی بنا شده است. از طریق همکاری با بازیگران منطقه‌ای و «محور مقاومت»، ایران استراتژی بازدارندگی مؤثری را طراحی کرده که به‌ویژه در برابر حضور نظامی خارجی در منطقه عمل می‌کند. علاوه‌براین، توسعه برنامه موشک‌های بالستیک و توانایی‌های دریایی ایران در خلیج‌فارس از عناصر کلیدی دکتترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند. این پیشرفت‌ها اطمینان می‌دهند که هرگونه درگیری نظامی مستقیم با ایران هزینه‌های فراوانی را بر دوش دشمنان خواهد گذاشت. ایران نقش مهمی در دیپلماسی منطقه‌ای ایفا کرده و خود را به‌عنوان بازیگر کلیدی در درگیری‌ها و حل‌وفصل مسائل خاورمیانه مطرح نموده است. نقش مثبت و سازنده ایران در معادلات منطقه‌ای توانایی‌اش را در شکل‌دهی به نتایج سیاسی و حفظ عمق استراتژیک که مانع از مداخله خارجی می‌شود، نشان می‌دهد. علاوه‌براین، عضویت ایران در سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان همکاری شانگهای و روابط رو به رشد آن با روسیه و چین، جایگاه ایران را به‌عنوان بازیگری جهانی تقویت و اثربخشی سیاست‌های خصمانه غرب را محدود کرده‌است. با وجود سال‌ها تحریم، ایران توانسته استراتژی‌های اقتصادی را توسعه دهد تا به دور از محدودیت‌ها عمل کند. این استراتژی‌ها شامل گسترش تجارت با کشورهای همسایه، تقویت روابط با چین و روسیه و توسعه صنایع داخلی است. توافق ۲۵ساله ایران و چین و همکاری‌های اقتصادی با روسیه، توانایی ایران در مقابله با فشارهای اقتصادی و تحریم‌های ظالمانه غرب از طریق گسترش و تقویت روابط با همسایگان و کشورهای چین و روسیه و ایجاد انتتاف‌های جدید را نشان می‌دهد.

محاسبات استراتژیک ایران بر مبنای تجربیات تلخ تاریخی آن به

تناسب بدعهدی‌ها و سیاست‌های خصمانه غرب و آمریکا نسبت به ایران شکل گرفته است. ایران هرگز مذاکرات تحت تهدید، فشار و تحریم را نخواهد پذیرفت، زیرا معتقد است که مذاکرات باید براساس تفاهم، احترام متقابل، کرامت و اقتدار و عزت باشد. سیاست «فشار حداکثری» آمریکا که در دوران دولت ترامپ آغاز شد، هدفش وادار کردن ایران به تسلیم از طریق تحریم‌های شدید بود. بااین‌حال، ایران به‌جای تسلیم‌شدن، برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز خود را گسترش داد، بر قدرت منطقه‌ای‌اش افزود و اتحادهای استراتژیک خود را تعمیق بخشید. این نشان‌دهنده ناتوانی تاکتیک‌های فشار حداکثری غرب و آمریکا در تغییر سیاست‌های کلیدی ایران است. ایران از تعاملات دیپلماتیک خود باغرب و آمریکا درس‌های مهمی گرفته‌و به این نتیجه‌رسیده‌که آنها قابل اعتماد نیستند، به‌ویژه در مورد توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام). درحالی‌که ایران به این توافق پایبند بود، خروج آمریکا در سال ۲۰۱۸ بر این باور افزود که تعهدات غرب ناپایدار است. به‌همین‌دلیل، ایران، بر مذاکرات مبتنی بر احترام متقابل، به‌جای اجبار و تهدید و تحریم تأکید دارد. ایران بر این باور است که نیازی به عجله در دستیابی به توافق‌هایی که منافع ملی و کشور را به خطر می‌اندازد ندارد. این رویکرد به ایران اجازه داده تا موقعیت خود را در منطقه تقویت کند و درعین‌حال منتظر شرایط دیپلماتیک مناسب‌تر بماند. اگر ایران تحت فشار مذاکره کند، این مسأله به‌عنوان یک پیشینه ایجاد می‌شود که تهدیدهای خارجی می‌توانند سیاست‌های آن را دیکته کنند. چنین حرکتی اعتبار ایران را هم در سطح داخلی و هم در سطح منطقه‌ای تضعیف و دشمنان را تشویق می‌کند تا از تاکتیک‌های مشابهی در آینده استفاده کنند. ایران همیشه بر این موضع تأکید می‌کند که دیپلماسی با ایران باید بر اساس احترام متقابل باشد، نه اِزباب و تحریم. در پایان باید به این مهم اشاره کرد که رشد ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای غیرقابل انکار است و خودداری آن از مذاکره تحت تهدیدها و فشارها، نتیجه مستقیم موقعیت ژئوپلیتیکی تقویت‌شده آن است. پیشرفت‌های نظامی، قدرت دیپلماتیک و تاب‌آوری اقتصادی همگی به افزایش اعتمادبه‌نفس کشورمان در شکل‌دادن به سرنوشت خود کمک کرده‌اند. همان‌طور که تاریخ نشان داده، تعامل با ایران نیازمند شناخت منافع استراتژیک آن به‌جای تکیه بر تاکتیک‌های فشار است. اگر جامعه بین‌المللی و آمریکا به‌دنبال گفت‌وگویی معنادار هستند، باید به ایران با احترام نزدیک شوند و نقش آن را به‌عنوان یک بازیگر محوری در خاورمیانه به رسمیت بشناسند.